



۲۰۲۲/۰۱/۱۲



پوهاند محمد بشیر دودیال

رتب علمی و درجات تحصیلی در افغانستان

هیچ شکی وجود ندارد که ترقیات و پیشرفتهای تخنیک، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و خلاصه تمام عرصه های حیات، مربوط و منوط به رشد و شگوفایی علوم و مراکز علمی و اکادمیک کشور هاست. هر آن دستاوردی که از ساحات طب، زراعت، صنعت تا فضا و کیهان دیده میشود، تماماً از برکت آموزش در صنوف درسی، تجربه و آزمایش در لابراتوار و تدریس و تحقیق استاد و محقق اند. مفهوم کیفیت نفوس که درین سالها مورد استفاده قرار میگیرد مبین و افاده کننده درجه تحصیلات و سواد افراد یک جامعه است. واضح است که؛ سواد و درجه تحصیل کشور ها از همدیگر فرق دارد، ممالیکه دارای افراد تحصیل کرده و مراکز معیاری علمی اند، جای بلند ی را در سیاست جهانی، موقف بلند اقتصادی و درجه بلند تصمیم گیری را در تمام تعاملات دارند.

از مثالهای پوهنتونهای ایالات متحده و اروپا صرف نظر نموده؛ در همین ممالک همچوار ببینیم:

طی یک سفر علمی از پوهنتونهای مشهور ایران مانند فردوسی، پوهنتون تهران و پوهنتون امام رضا همچنان مرکز دایرة المعارف اسلامی و کتبخانه ملی ایران دیدن نمودم. در هر کدام آنها صد ها تن مصروف تدریس و تحقیق بودند، که بر علاوه درجات بلند تحصیلی دارای رتب علمی نیز بودند. در پوهنتون تهران در رشته ی زبانهای خارجی ؛ تقریباً اضافه از ۲۱ زبان تدریس میشد، که هر کدام دیپارتمنتهای جدا گانه داشتند. از مهماندار ما که در آن روز با ما بود، در مورد دانشمندان پرسیدم، او گفت:

در ایران در هر صد نفر طور اوسط ۲۳ تن دارای درجه تحصیل دکترا، حدود ۴۰ تن کارشناس ارشد (ماستر و معادل آن) و اضافه از ۹۳ تن با سواد که حتماً در ساحات کاری شان با کمپیوتر و (IT) آشنایی دارند، میباشند. اینکه پوهنتونهای شان چقدر مجهز بودند، ضرورت به بیان ندارد. همین وضعیت را در مراکز علمی هندوستان و پاکستان مشاهده نموده ام. از اینکه یک بخش کار ما در برلین، در مورد ارزیابی خودی و تضمین کیفیت و نصاب سازی بود، اصول و مقررات اکادمیک آن پوهنتون را مورد دقت قرا دادم. اینکه چه معیارهای درین موارد داشتند، قابل توجه اند. همچنان چند پوهنتون اروپایی دیگر، یک برنامه مشترک با پوهنتون کنتاکی ایالات متحده داشتیم، آنها غرض پیشرفت اقتصادی و اجتماعی روی کیفیت مراکز علمی تاکید میکردند. هدف از بین مثالها و علت این همه، عبارت از ارزش دادن به عالم و مراکز علمی میباشد. رفاه عمومی و رشد فکری، اجتماعی و اقتصادی کشور ها وابسته به چنین مراکز اند. در جوامع پیشرفته روی دلایل فوق احترامی زیادی به افراد تحصیل کرده، محققین و دانشمندان دارند.

در افغانستان حدود یکصد و هژده سال از ایجاد نخستین مکتب رسمی و حدود نود و چند سال از ایجاد پوهنتون (دارالفنون آن زمان) و چهل و چند سال از تاسیس اکادمی علوم میگذرد. تا سالهای پنجاه و شصت هجری شمسی خوشبختانه افغانستان درین مسیر گامهای خوبی برداشته بود و طبق تقاضای عصر و زمان، توانایی اقتصادی و ایجابات اجتماعی دستاورد های مثبتی داشتیم که از آن جمله ادارات علمی ما هم بودند.

ادارات و مراکز علمی دارای قوانین خود شان اند. از آن جمله هم مقررات رتب در اسناد تقنینی اند. پوهنتونها در افغانستان دارای شش رتبه بودند؛ پوهیالی، پوهنیار، پوهنمل، پوهندوی، پوهنوال و پوهاند. کدر علمی پوهنخی بحیث

نامزد مقرر میگردد و با سپری نمودن یکسال دوره نامزدی اصل رتبه علمی، مکلف به گذراندن سه سه سال با سایر شرایط در هررتبه اند تا از یک رتبه به رتبه دیگر ترفیع نمایند. بعد از تغییرات در قانون تحصیلات عالی تقرر در رتبه پوهنیا از مقررات حذف و پذیرش در کدر علمی صرف با داشتن درجه تحصیل دوکتورا و یا ماستر صورت میگیرد. سایر شرایط برای ترفیع علمی قرار ذیل اند:

- تحریر یک رساله، انجام یک پروژه ی تحقیقی، ترجمه ویا تالیف یک کتاب درسی برای رتبه بلند تر از پوهندوی؛
- در پهلوی اثر اصلی فوق الذکر موجودیت آثار فرعی، یعنی یکعضو کدر علمی پوهنتون باید از یک رتبه تا رتبه دیگر چند مقاله در مجلات علمی پوهنتونها و ژورنالهای خارجی نش رنموده باشد. مجلات علمی تنها به مجلاتی منتشره پوهنتون و اکادمی علوم اند، که هیئت دتحریر شان درای رتب بلند علمی میباشند؛
- ارائه کنفرانسهای علمی د محضر هیئت ژوری، به شرطیکه هیئت ژوری کنفرانس را مثبت ارزیابی نماید،
- موجودیت تقریظ استادان بلند رتبه برای اثر کاندید برای ترفیع علمی؛
- دانستن یک لسان خارجی ؛
- گزارش دیپارتمنت مربوطه؛
- اجرای مکلفیت درسی طی هر سمستر؛
- تقریظ تائیدی از طرف دو تن استادان دیگر؛
- اشتراک در تمام فعالیتهای علمی پوهنتون و اجرای موفقانه ی وظایفیکه برای کدر موصوف سپرده شده است؛
- تربیه نمودن اسبستانتها(برای کاندیدان رتب بلند پوهنوال و پوهاند)؛
- داشتن اخلاق اکادمیک، سجایای عالی و رویه خوب، وقف خودگذری در اصلاح جامعه و اجرای تحقیقات علمی، حسن برخورد با همکاران و رعایت قانون کارکنان ملکی نیز شامل شرایط فوق اند.

البته در شرایط فوق وقتاً فوقتاً بعضاً تغییراتی نیز آمده؛ مثلاً دریک زمان برای ترفیع به رتبه پوهاند دو اثر ضرور بود، ولی از سالهای هفتاد بدینسو، یک اثر کافی دانسته شده است. یک کدر علمی در صورتی به اخذ رتبه پوهاند نایل میگردد که با تکمیل تمام شرایط فوق و سپری نمودن رتب قبلی، دارای سند دوکتورا باشد. کاندید دارای درجه تحصیل لسانس صرف بحیث نامزد پوهیالی، ولی لسانس بحیث نامزد پوهنیا و داندره سند دوکتوار بحیث نامزد پوهنمل مقرر میگردد، بدین ترتیب یک فارغ به سویه دوکتورا بعد ازیکسال به رتبه پوهنمل نایل گردیده میتواند، درحالیکه یک فارغ لسانس ممکن بعد از هفت سال خدمت با تکمیل شرایطی زیادی دیگر به این رتبه برسد. به این ترتیب تکمیل شرایط فوق آنقدر اسان نیستند. از همین رو بعضاً استادانی دیده شده که نسبت مشکلات اخیر و وضع مابسامان تا زمان تقاعد نتوانستند به رتبه پوهنمل و یا پوهندوی برسند چه رسد به رتبه پوهاند. هرگاه یک عضو کدر علمی تمام شرایط فوق را با تمام تلاش پوره نیز نماید، اقلأ هژده سال تدریس و تحقیق و اجرای دوامدار و بدون وقفه میباشد تا بتواند به بلند ترین رتبه برسد، چه یکتعداد اعضای کادر علمی تا بیست سال و اضافه از آن نتوانسته اند نظر به بعضی مشکلات حتا به رتبه پوهندوی یا پوهنوال برسند(درین زمینه جزئیات و مواد و فقرات زیادی مربوط به مقررات ولوایح اکادمیک وجود دارد که تذکر آنها موضوع را طولانی خواهد ساخت).

در پوهنتونهای افغانستان و در اکادمی علوم؛ "استاد" به آن عضو علمی گفته میشود که به رتبه پوهاند ویا اقلأ پوهنوال(در اکادمی علوم خیرنپوه یا اقلأخیرنوال) رسیده باشد، اعضای کدر علمی پایینتر ازین رتب به نامهای اسبستانت یاد میگردند.

شاید رتبه های فوق العاده نظامی مانند جنرالی و حتا مارشالی تفویض گردد، شاید دوکتورای افتخاری تفویض گردد، ولی هیچ امکان ندارد که یکی از رتبه های علمی (حتا پوهیالی و پوهنیا، محقق یا دیگر رتبه ها) بدون طی نمودن تمام مراحل، اسناد و شرایط منظور گردد. اگر منظور نیزگردد هیچکس جرات نخواهد کرد وحاضر نخواهد شد تا ان رابپذیرد، بلکه آن را توهین خواهد دانست، زیرا کاملاً مبرهن است که داشتن چنین رتب از خود شرایط دشواری را دارد.

داشتن رتبه علمی بدین معنا نیست، که دانشمندان مذکور نخبه گان بی بدیل اند، بلکه ما شاهد آن هستیم که در سایر ادارات، مراکز تحقیقاتی و موسسات تعدادی زیادی از دانشمندان نخبه تری نیز وجود دارند، منتهی عضویت در یکی از دبیرانتهای اکادمیکی و داشتن رتبه علمی، نشاندهنده ارتباط و عضویت شخص به مرکز علمی (پوهنتون/اکادمی) میباشد. چه در گذشته افغانستان در ادارات و موسسات مانند ریاست امور فارسی، ریاست تحقیقات زراعتی، اداره جیودوزی و کارتوگرافی، انستیتیوت پروژه سازی(پاما)، اکادمی طبی، اداره مرکزی احصائیه و سایر ادارات و موسسات دانشمندان لایق، ورزیده و باتجربه داشت، که با افتخار از ایشان دعوت میشد تا در پوهنتون تدریس نمایند، در مراسم دفاع پروژه ویا هم کنفرانسها اشتراک نمایند و عضو هیئت ژوری گردند(البته بدون رتبه علمی). پوهنتونهای ما از همکاریهای علمی چنین ذوات گرامی و دانشمندان نخبه ممنون اند. پوهنتونها و اکادمی علوم از داشتن چنین دانشمندان نخبه، باتجربه و دلسوز در کشور افتخار مینماید. چنانچه در تدوین دو دور دایرة المعارف(انسایکلوپیدی افغانستان)، بر علاوه پوهنتونها و اکادمی، عده ی زیادی از دانشمندان نامدار و پر افتخار از سایر ادارات و مراکز سهیم بودند که خدمات علمی شان فراموش ناشدنی است. این دانشمندان گرامی به عنای علمی پوهنتونها و اکادمی افزوده اند. به امید همکاریهای هرچه نزدیکتر و بیشتر آنها.

اکادمی علوم افغانستان دارای پنج رتبه علمی است؛ از معاون محقق آغاز تا سرمحقق. نیل به رتب فوق نیز شامل شرایط و انجام پروژه های علمی، ترجمه و نوشتن مقالات و تحقیق میباشد. هر عضو کادر علمی که ظرف شش سال نتواند به رتبه بالایی ترفیع نماید از وظیفه سبکدوش میگردد. استادان بعد از اخذ آخرین رتبه نیز مکلف به تدریس، تحقیق، نشر مقالات و ارائه کنفرانسهای علمی اند. به این ترتیب غرض نیل به رتبه علمی مثلاً پوهاند یا سرمحقق، سند تحصیلی دوکتورا (Ph D) ضرور است. یعنی رتبه علمی وابسته به درجه تحصیل اند. از رتبه پوهیالی تا رتبه پوهندی همه درجمله اسپستان محسوب میگردد، رتبه پوهندوی معادل (Assoc. Professor) و پوهنوال و پوهاند معادل (Professor) میباشد.

اکادمی علوم افغانستان عالیترین اداره تحقیقات علمی در سطح کشور بوده، به حیث اداره مستقل دولتی فعالیت مینماید، خلص تاریخچه آن قرار ذیل است:

طرح اکادمی به نام « افغان اکادمی» در ۲۲ میزان سال ۱۳۴۶ش. به مناسبت تولد اعلیحضرت محمد ظاهر شاه « شاه سابق » رویدست گرفته شد که دارای مرانامه و تشکیلات اداری نیز بود و یکی از شهزاده گان فامیل سلطنتی به ریاست عالی افتخاری و وزیر اطلاعات و کلتور به حیث آمر عمومی آن، منصوب میگردد، اما این اکادمی با وجود مصوبه شورای وزیران و ملاحظه مقام سلطنتی نتوانسته بود شروع به کار نماید.

بعداً به اثر توجه وزیر اطلاعات و کلتور وقت کانید اکادمیسین دکتور محمود حبیبی و اخذ موافقت مقام سلطنت در جلسه بی که در هتل کابل دایر شد و در آن نشست بر علاوه معاونین صدارت، عبدالله یفتلی و دکتور عبدالقیوم، اراکین بلند رتبه وزارت اطلاعات و کلتور مانند محمدخالد روشن معین وزارت اطلاعات و کلتور و اکثر پیشروان دنیای دانش و ادب کشور؛ چون: پوهاند عبدالحی حبیبی رئیس انجمن تاریخ، دکتور عبدالطیف جلالی رئیس رادیو افغانستان، حبیب-الرحمان جدیر رئیس نشرات، سید فقیر علوی مسؤل روزنامه اصلاح، میر سعید بریمن رئیس روزنامه هیواد، کریم روینا مدیر مسؤل روزنامه انیس، عبدالحمید مبارز رئیس ژانس باختر و دانشمندان دیگر؛ چون محمد کریم نژیی، محمد ابراهیم صفا، دکتور سید بهاءالدین مجروح، خال محمد خسته، غلام محمد نوید، سید محمد قاسم رشتیا، محمد اسماعیل مبلغ، صالح محمد پرونتا، عبدالوهاب طرزی، محمد صدیق روهی، میر محمد صدیق فرهنگ، محمد حسن کاکر، محمد رسول امین، حبیب الله تری، محمد ابراهیم ثابت و محمد هاشم رحیمی نیز شرکت داشتند، بعد از تأیید و موافقت کامل اعضای جلسه پیشنهاد نهایی در زمینه، تقدیم مجلس وزرا و مقام سلطنتی گردید. اکادمی افغانستان " د افغانستان اکادمی" و بعد اکادمی علوم افغانستان "د افغانستان د علومو اکادمی" به حیث کانون ثقافت و دانش متکی بر بنیاد فرهنگ ملی و تاریخ افغانستان به موجب فرمان شماره دهم مؤرخ دوم حمل سال ۱۳۴۹ش. تأسیس گردید که در ابتدا شاه محمود خان به حیث رئیس افتخاری آن معرفی شد، که به شکل سمبولیک بودند، ولی اجرای وظایف عملی و پیشبرد امور علمی بدوش دانشمندان بود، بعد از آن روسای این مرکز بزرگ علمی بنابر درجات تحصیلی، رتب و تجارب ویا سباقه علمی شان موظف گردیده اند.

اکنون اکادمی علوم دارای بخشهای علوم اسلامی، بشری و طبیعی، شورای علمی، مراکز علمی؛ چون مرکز بین المللی تحقیقات پشکو، مرکز بین المللی تحقیقات کوشانی و مرکز مطالعات منطقوی در چوکات بخش علوم بشری، مرکز دایرةالمعارف، انستیتوتها، دیپارتمنتها و معاونیت مالی و اداری و ریاستهای: دفتر، پلان و پالیسی، روابط فرهنگی و ارتباط خارجه، اطلاعات و ارتباط عامه، موزیم اتنوگرافی تحقیقاتی، کتابخانهها، لابراتوارها، کلینیک تشخیصیه تحقیقاتی طبی، مجلات، فارم تجربوی زراعت، جراید و شعبات خدماتی میباشد. جدیداً حدود یک ماه قبل (قوس ۱۴۰۰) یک مرکز جدید بنام باندکداری اسلامی نیز در آن ایجاد شد. اهداف اکادمی در پهلوی اجرای پروژه های علمی قرار ذیل اند:

- Ø انجام و انسجام تحقیقات علمی در عرصه های علوم اسلامی، بشری، طبیعی - تخنیکي و انسجام تحقیقات فوق که توسط مؤسسات تحصیلات عالی و سایر مؤسسات علمی و تحقیقاتی صورت میگیرد، به منظور غنامندی فرهنگی و رشد اقتصاد ملی کشور.
- Ø انسجام مطالعات، تحقیقات و ارزیابی منابع و ذخایر طبیعی و طرق استفاده مؤثر از آنها.
- Ø بررسی طرق مناسب کار برد جدیدترین دست آوردهای ساینس و تکنولوژی در امر رشد اقتصاد ملی.
- Ø همکاری در طرح، تدوین و ارزیابی پلانهای جاری و دورنمای رشد فرهنگی، اجتماعی و اقتصاد ملی.
- Ø تأمین روابط علمی و تحقیقی با سایر ادارات و مؤسسات در کشور.
- Ø رشد کمی و کیفی سطح علم و دانش در کشور.
- Ø جلوگیری از هجوم فرهنگ غیراسلامی و غیر ملی در تحقیقات علمی

طبق قانون اکادمی علوم افغانستان، رتب کارمندان علمی با در نظر داشت درجه تحصیل و سويه علمی ذیلاً تنظیم گردیده است:

• معاون محقق - جیرنیار JUNIOR ASSISTANT PROFESSOR

• محقق - جیرندوی ASSISTANT PROFESSOR

• معاون سرمحقق - جیرنوال ASSOCIATE PROFESSOR

• سرمحقق - جیرنپوه PROFESSOR

بر علاوه در قانون اکادمی علوم؛ رتب عالیتر علمی «کاندید اکادمیسین و اکادمیسین» نیز تسجیل است. در مراکز علمی و اکادمیهای جهان نیز اعضای علمی در صورت داشتن اسناد کافی و تکمیل پروژه های تحقیقاتی و سهمگیری فعال در امور علمی موفق به نیل این دو رتبه دیگر میگردند: کاندید اکادمیسین و نهایی آن اکادمیسین. مثلاً در افغانستان شرایط این رتب قرار ذیل اند:

برای انتخاب شدن به رتبه اکادمیسین حداقل پنجاه اثر نشر شده تخصصی که از جمله ده اثر آن ابتکاری و ابداعی باشد و برای کاندیدای اکادمیسینها حداقل چهل اثر نشر شده تخصصی که از جمله پنج اثر آن ابتکاری و ابداعی باشد، ضرورت است. تأیید و ارزیابی آثار علمی اکادمیسینها و کاندیدای اکادمیسینها از طرف کمیسیون باصلاحیت علمی، به پیشنهاد شورای علمی صورت میگیرد. موضوع مقالات، ریسرچ و ترجمه بعد از تأیید دیپارتمنت و تصویب شورای علمی سپرده میشود، چنین موضوعات باید بکر بوده، برحل یک پرابلم متمرکز باشند، حاوی پیشنهاد و راههای حل بوده و طبق میتود تحقیق علمی آماده شوند. نشر این آثار فقط در ژورنالهای معتبر علمی مدار اعتبار اند، نه در هر نشریه. اکادمیسینها و کاندیدای اکادمیسینها پس از اكمال شرایط و تأیید کمیسیون ارزیابی توسط مجمع عمومی اکادمی علوم از طریق رأی سری و مستقیم به اکثریت آراء انتخاب و بعد از منظوری رئیس جمهور، مطابق رشته تخصصی خود در یکی از مراکز علمی فعالیت مینماید. منظوری رتب علمی بعد از طی مراحل از سطح دیپارتمنت، تاشورای علمی پوهنی/انستیتویوت، کمیته ترفیعات علمی و شورای علمی به وزارت تحصیلات عالی پیشنهاد میگردد. رتبه پوهاند و سرمحقق بعد از حکم رییس جمهور منظور میگردد، که با لقب تفاوت دارند. اولاً اینکه شخص باحصول داشتن شرایط و سند رسمی بدان نایل میگردد، و بعد شرط دیگر اینکه عضویت یکی از این نهادها را میداشته باشد.

به این ترتیب؛ درجه تحصیل ورتبه علمی با لقب فرق دارند. درجات تحصیلی بعد از اكمال تعليمات عمومی /مسلکی متوسط مکمل و بعد از سپری نمودن امتحان کانکور(شمولیت در موسسه تحصیلات عالی) عبارت از لسانس، ماستر و دوکتورا اند. و رتبه علمی همانا که در فوق ذکر شدند.

اما لقب یک خطاب اعزازی است، مانند علامه، خان، بابا و نیکه. هرگاه گفته میشود حافظ لسان الغیب، یا ابوالمعانی ببیدل و غیره مثالها؛ اینها القاب اند. القاب تابع کدام شرط، قانون و مقرر رسمی و سلسله مراتب نیستند، اما بدون شک که واجد احترام، اعزاز و اکرام اند، مانند علامه سلجوقی، میرویس نیکه، نازوانا، احمد شاه بابا، خان بهادرخان یا سراحمد خان و غیره مثالها که هر کدام چهره های تابناک تاریخ کشور ما یاکشور های خود شان اند. چنین مثالهای از القاب در سایر کشورها نیز وجود دارد که برای مردم شان قابل قدر اند. در ترکیه "اتاترک" لقب بود، نه رتبه ویا درجه علمی، یا سکندر "کبیر"، یا "مرد آهنین"(لقب رهبر فقید سینکاپور)، لقب "راجا" در هند، یا لقب رهبر قبلی کشور ترکمنستان و غیره مثالها.

البته بعضاً درجای میخوانیم: دیپلوم انجنیر محمد اکرم، فارمسست فرید جان یا اگر نومست سیدمحمد. اینها اشاره به رشته تحصیل دارند که دیپلوم انجنیر یعنی فارغ مسلکی پولیتخنیک، پوهنخی انجنیری یا رشته کیمیا پوهنخی ساینس یا فارمسی و اگر انومی زراعت. در گذشته ما تمام مثالهای فوق را داشته ایم. اما این سه مثال اخیر رتبه ی علمی نه، بلکه ساحه ی تخصص اند.

خوشبختانه تا چهل سال قبل اکثریت ادارات ووزارتهای ما دارای لایق ترین وورزیده ترین کارکنان مسلکی و علمی بودند، پوهنخی طب بر علاوه آنکه برای سکتور صحت اطبای ورزیده را تربیه نموده اند، خود دارای شفاخانه های کادری میوند و علی اباد بودند که خدماتی مهمی صحی را انجام داده اند. افغانستان درگذشته به اثر خدمات این فارغان پوهنتونها در عرصه ی زراعت و مالداری، طبابت، معادن، سرکسازي، فارمسی، ادبیات، تخنیک و رشته های دیگر دستاوردهای قابل افتخاری داشتند.

درینجا نامهای بعضی از دانشمندان کشور را که یا در پوهنتون یا در اکادمی علوم خدماتی قابل ذکر به سرسانیده اند، طور مثال ذکر میگردد: پوهاند رحیم الهام(پوهنتون و اکادمی علوم-هردو)، اکادمیسین اکرم عثمان(اکادمی علوم)، پوهاند عبدالشکور رشاد(عضو اکادمی علوم، رشته ادبیات)، سرمحقق عبدالله خدرمتکار بختانی(اکادمی علوم)، پوهاند دکتور عبدالاحمد جاوید، آمر دیپارتمنت زبان و ادبیات دری اکادمی علوم، و زمانی هم استاد در پوهنتون کابل، عبدالواحد سرابی(پوهنخی اقتصاد)، عبدالله شارق، استادرشته جیولوژی، پوهاند دکتور غلام فاروق اعتمادی (پوهنتون)، فقیر محمد یعقوبی، رشته فزیک هستوی، سرمحقق حلیمه رازقی(اکادمی)، سرمحقق ثریا پوپل(اکادمی)، سرمحفظ لطیفه قریشی، دوکتور محمد موسی وردک، رشته طب (اورتوپیدی)، پوهاند دکتور احمد شاه جلال، (پوهنتون کابل)، پوهاند دکتور بلبل شاه جلال، (استاد پوهنتون وعضو علمی اکادمی علوم)، دکتور سامیه عبادی روشنگر(عضو اکادمی علو)، عبدالرحمن پهلوال (عضو اکادمی علوم)، پوهاند دوکتور حسنیار(پوهنتون)، پوهاند داکتر اعجازی(پوهنتون-طب)، داکتر عبدالله کاظم(پوهنتون)، کاندید اکادمیسین اعظم سیستانی(اکادمی علوم)، داکترروستار ترکی(پوهنتون-حقوق وعلوم سیاسی)، عبدالرحیم خوشدل(پوهنتون)، عبدالسمیع غفاری(اکادمی علوم)، پوهنوال عبدالصمد سلیم، (پوهنتون کابل) ، پوهاند غلام جیلانی عارض(پوهنتون)، پوهاند داکتر بخشی(پوهنتون)،استاد حامد نوید(پوهنتون)، پوهاندعبدالاحی حبیبی(پوهنتون)، دوکتورعلی احمد(پوهنتون،طب)، پوهاند شاه علی اکبر شهرستانی، (پوهنتون کابل)،کاندید اکادمیسین پوهنوال دکتور غلام محمد بهرام، پوهنتون و رئیس مرکز تحقیقات زراعتی وزارت زراعت)، پوهاند فقیر محمد زمیری (پوهنتون کابل)، پوهاند شجاعی(پوهنتون کابل)، محمد ابراهیم عطایی(اکادمی علوم)، محمد انور نومیالی(اکادمی علوم)، پوهاند دوکتور عبدالواحدسرابی، پوهاند شرف، پوهاند دوکتور شهیدی،پوهاند ذبیح الله التزام، داکترنعیم اسد،پوهاند دوکتوربازمحمد شیرزاد، پوهنوال دوکتورمیرآقا، پوهاند دوکتور اعظم گل،پوهاند محمد اشرف یادگاری، پوهاند داکترمراذعلی اصیل، عبدالروف خیلواک(پوهنتون -اقتصاد)، ، پوهنوال محبوبه حقوقمل، محمد امین امام(پوهنتون کابل) رسول امین(پوهنتون)، پوهاند حکیم تیبوال(پوهنتون)، حبیب الله رفیع(اکادمی علوم)، پوهاند هاشمیان، دوکتور محمد حسین هلالی(پولیتخنیک)، خیرنپوه احمدشاه عمر(وردک)، پوهاند نقیب الله سهاک(پولیتخنیک)، سرمحقق محمد صدیق روهی(اکادمی علوم)،پوهاند مجروح، پوهاند فضل ربی پژواک، دکتور محمد یعقوب واحدی)

اکادمی علوم) دوکتور سکندر حسینی(اکادمی علوم)، دوکتور محمود حبیبی(اکادمی علوم)، څیړنپوه نظر محمد عزیز، څیړنپوه دوکتور غلم نجم الدین ترین، پوهاند دوکتور چراغلی چراغ، دوکتور مهر محمد اعجازی (پوهنتون- طب)، پوهاند میر حسین شاه(پوهنتون کابل)، پوهاند سرور همایون(پوهنتون)، سرمحقق گلزاد (اکادمی علوم)، پوهاند دوکتور محمد افضل بنووال، پوهاند دوکتور محمد افضل انور، پوهاند دوکتور محمد عارف تیبوال، څیړنپوه دوکتور سید محی الدین هاشمی و تعدادی از نامهای پر افتخار دیگر که خدماتی قابل قدر را در عرضه علوم و تحقیقات در کشور به سر رسانیده اند و نسلهای آینده ما با نامهای شان افتخار مینمایند. در زمره ی اینها یکتعداد قلیل به رتبه کاندید اکادمیسین و یا اکادمسین رسیده بودند همچنان از جمله ی شان دو تن لقب علامه را دارند(علامه عبدالحی حبیبی و علامه رشاد). یکتعداد دیگر دانشمندان این مراکز علمی دارای رتب پایانتز مانند پوهندوی و پوهنوال ویا معاون محقق بودند، که درینجا اسمای شان ذکر نگردید، ولی بدین معنا نیست که خدمات شان قابل ارج نیست، و همچنان عده زیادی از نامهای شایان یادآوری و قابل قدردانی را فعلاً فراموش نموده ام و خود را درین مورد قابل عفو نمیدانم. هدف از ذکر این اسمای ذوات محترم فقط روشن ساختن رتبه و درجه تحصیل و شرایط نیل به این رتب و درجه ها بود و روشنی انداختن روی چگونگی احراز این رتب. هدف از تذکر نامها نیز تفکیک درجات تحصیلی و رتب و القاب بود که مثالهای هر کدام داده شد.

البته رتب علمی و درجات تحصیلی در پهلوی امتیاز معنوی(احترام قایل شدن) دارای امتیاز اندک مادی نیز اند، این نه تنها در افغانستان بلکه در تمام جهان. یعنی در اندازه ی معاشات شان به مقایسه سایر کارکنان، مطابق احکام قانون اندکی افزودی(بنام امتیازکادر علمی) وجود دارد. این خود نشان دهنده قایل شدن احترام دولتها و مردم به موقف دانشمند و ارج نهادن شان به زحمات تحصیل و تحقیق شان میباشد، که از یک کشور تا کشور دیگر فرق مینماید. ملل که دارای سطح بلند فرهنگ و ارزیابیهای متعالی اند، به دانشمند و مراکز علمی شان میبالند، ولی در جوامع عقبمانده هنوز این ارج نهادن محقق نشده است.



برای مطالب دیگر پوهاند محمد بشیر دودیال روی عکس کلیک کنید